
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

کلیات مسائل ادبی

«زبان و ادبیات فارسی»

مولف: ثریا پرستار

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

با سلام به عزیزانی که به عرصه علم و دانش پا گذاشته‌اند و روح خود را به شهد علم و دانش عجین کرده‌اند.

عشق و علاقه شما ما را ترغیب نمود تا کتابی جامع در زمینه کلیات مسایل ادبی تهیه و تدوین نماییم، تا تشنگان علم را سیراب و راه رسیدن به موفقیت را برای دانشجویان عزیز هموارتر و نیل به آرزوهایشان را به حقیقت نزدیکتر بگردانیم.

کتاب حاضر کتابی است جامع که در آن سعی نموده‌ام تمام دروس مربوط به کلیات مسایل ادبی را در یک کتاب جامع گردآوری نمایم، تا خواننده را از مراجعه به هر منبع و مأخذ فنی آن بی‌نیاز کنم و سهولت خواندن را برای خوانندگان فراهم بگردانم، امید است که این کتاب راهگشای خوبی برای دانشجویان عزیز و راهیان علم باشد.

در پایان از زحمات بی‌شائبه خانواده‌ام بخصوص پدر و مادر عزیزم که با تشویق‌ها و دل گرمی‌های خود مشوق من در این راه بودند، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم. و در نهایت پیروزی و موفقیت خوانندگان و دانشجویان این اثر را از درگاه ایزد منان خواستارم.

با سپاس

ثریا پرستار

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر ۳
پیشگفتار مولف ۴

فصل اول: تاریخ ادبیات ایران

مقدمه ۱۷
علوم ادبیه ۱۷
تاریخ ادبیات ایران از قدیمی ترین ازمنهٔ پیش از اسلام تا قرن پنجم هجری ۱۷
دورهٔ قبل از اسلام ۱۸
دورهٔ فترت و انحطاط ادبی (از سال ۳۳۱ قبل از میلاد تا ۲۲۶ میلادی) ۱۹
دورهٔ سوم پیش از اسلام ۲۰
شعب مختلف زبان فارسی ۲۲
شعر در دوره ساسانی ۲۲
حکما و دانشمندان وموسیقی دانان و صنعتگران ایرانی قبل از اسلام ۲۳
کتب و مؤلفات منسوب به ایرانیان پیش از اسلام با مترجم آن‌ها بعد از اسلام ۲۴
تاریخ ادبیات ایران بعد از ا سلام ۲۴
قدیمی ترین شعر فارسی بعد از اسلام ۲۷
حنظله بادغیسی ۲۷
شهید بلخی ۲۷
رودکی ۲۷
دقیقی ۲۸
کسایی مروزی ۲۸
ابوطاهر خسروانی ۲۸
غزوایی لوکری ۲۸
منطقی رازی ۲۸
منجیک ترمذی ۲۹
معروف بلخی ۲۹
خسروی سرخسی ۲۹
ابوبکر خوارزمی (۳۲۳- ۳۸۳) ۲۹
ابوالعباس ربنجنی ۲۹
جویباری ۲۹
ابوشکور ۲۹

عنوان **صفحه**

تاریخ ادبیات ایران از قرن پنجم تانهم هجری ۳۰
اوضاع سیاسی ایران از سال ۳۶۶ تا سال ۴۳۲ هجری قمری ۳۱
امراء و سلاطین این دوره و ادبیات ۳۲
حکیم ابوالقاسم فردوسی ۳۳
عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر ۳۴
دیالمه وادبیات فارسی ۳۵
شمس المعالی قابوس ۳۷
آل بویه ۳۹
خواجه نظام الملک ۴۰
ناصر خسرو ۴۱
حکیم سنایی ۴۲
امیر معزی نیشابوری ۴۳
ابوحنیفه اسکافی ۴۳
عمعق بخارایی ۴۳
مسعود سعد ۴۴
ظهیر فاریابی ۴۴
عنصری ۴۵
فرخی سیستانی ۴۶
منوچهری ۴۶
اسدی طوسی ۴۷
فخر الدین اسعد گرگانی ۴۷
جمال الدین عبدالرزاق ۴۸
عثمان مختاری ۴۸
نظامی ۴۸
انوری ابیوردی ۴۹
خاقانی ۴۹
تاریخ ادبیات ایران از اوایل قرن هفتم هجری تا اواخر قرن دوازده ۵۰
ادبیات ایران از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن هشتم ۵۳
اوضاع سیاسی ایران از ۶۲۸ تا ۷۳۶ ..... ۵۶
اوضاع سیاسی ایران از ۷۳۶ – ۸۰۷ ..... ۵۷
اوضاع ادبی وعلمی ایران از ۶۱۶ – ۸۰۸ ..... ۵۹
علوم و علما در دورهٔ مغول و تیموریان ۶۰
خواجه نصیر الدین طوسی ۶۰
محقق تفتازانی ۶۱
ضیاء الدین قزوینی استاد تفتازانی ۶۲
مولف تلخیص المفتاح ۶۲
زکریای قزوینی ۶۲
اثیرالدین ابهری ۶۳
امام فخر رازی ۶۳

عنوان **صفحه**

قطب الدین شیرازی ۶۳
قطب الدین رازی ۶۴
قاضی بیضاوی ۶۴
قاضی عضد الدین ایجی (۷۰۱- ۷۵۶) ۶۴
میرسید شریف جرجانی ۶۵
شهاب الدین سهروردی ۶۵
بابا افضل کاشانی ۶۶
شیخ عراقی ۶۶
شیخ صفی الدین اردبیلی ۶۶
شاه نعمت الله کرمانی ۶۶
شعرا و نویسندگان ومورخین از سال ۶۱۶ تا مرگ امیر تیمور ۶۶
منتجب الدین بدیع کاتب جوینی ۶۷
شمس الدین محمد بن محمد بن علی ۶۷
بهاءالدین محمد بن محمد صاحب دیوان ۶۷
علاء الدین عطا ملک جوینی ۶۷
شمس الدین محمد جوینی برادر عطاملک ۶۸
شرف الدین هارون شمس الدین جوینی ۶۸
شیخ عطار ۶۸
همام تبریزی ۶۹
مولوی ۶۹
خواجوی کرمانی ۷۰
بزرگترین شاعر ایران در عهد مغول (سعدی شیرازی) ۷۰
حافظ شیرازی ۷۰
سلمان ساوجی ۷۱
ابن یمین ۷۱
اوحدی ۷۱
امیرخسرو دهلوی ۷۱
کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ۷۲
خواجه رشید الدین فضل الله ۷۲
وصاف الحضره صاحب تاریخ وصاف ۷۲
حمدالله مستوفی قزوینی ۷۲
اوضاع سیاسی ایران در قرن نهم ۷۳
اوضاع علمی وادبی ایران درقرن نهم ۷۴
نثر فارسی درقرن نهم ۷۴
شرح حال فصیحی خوافی ۷۵
کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی ۷۵
شرح حال دولتشاه سمرقندی ۷۵
شرح حال جلال الدین دوانی ۷۶
اخلاق محسنی ۷۶

عنوان **صفحه**

شرح حال ملاحسین کاشفی ۷۶
فخرالدین علی واعظ پسر ملاحسین کاشفی ۷۷
شعر فارسی در قرن نهم یا دوره ی تیموری ۷۷
هلالی جغتایی ۷۷
جامی ۷۷
مکتبی شیرازی ۷۸
تاریخ ادبی ایران از سال ۹۰۷ تا آخر قرن ۱۲ هجری ۷۸
عرفی شیرازی ۷۹
فیضی دکنی ۷۹
محتشم کاشانی ۸۰
وحشی بافقی ۸۰
شهید ثانی ۸۰
کلیم همدانی ۸۰
صائب ۸۱
میرمحمد باقر داماد ۸۱
شیخ بهایی ۸۱
ملا عبدالرزاق لاهیجی (صاحب گوهرمراد) ۸۲
مشتاق اصفهانی ۸۲
آذر بیگد لی ۸۲
هاتف اصفهانی ۸۲
میرزا نصیر اصفهانی ۸۳
صبای کاشانی ۸۳
وصال شیرازی ۸۳
نشاط اصفهانی ۸۴
قائم مقام فراهانی ۸۴
قاآنی ۸۴
حاج ملا هادی سبزاوری ۸۴
شعر عصر بیداری ۸۵
ادیب الممالک فراهانی شاعر روزنامه نگار ۸۵
بهار، شاعر آزادی ۸۵
دهخدا= محقق وشاعر ۸۵
نسیم شمال ۸۵
نیما شاعر افسانه ۸۵
سهراب سپهری ۸۶
شاملو و شعرسپید ۸۶
مهدی اخوان ثالث ۸۶
فروغ فرخزاد ۸۶
پروین اعتصامی ۸۶
محمد حسین شهریار ۸۷

عنوان **صفحه**

رهی معیری ۸۷
مهرداد اوستا ۸۷
جلال الدین آل احمد (۱۳۴۸-۱۳۰۲) ۸۷
صادق هدایت: (۱۳۳۰-۱۲۸۰) ۸۷
بزرگ علوی (۱۲۸۲) ۸۸
جمال زاده ۸۸
تست‌های آخر فصل ۸۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۰۲

فصل دوم: دستور زبان فارسی

مقدمه و تعاریف ۱۰۹
مقوله‌های دستوری ۱۰۹
صرف فعل ۱۱۱
بن فعل ۱۱۱
زمان فعل ۱۱۲
ساختمان فعل ۱۱۲
مشتقات فعل ۱۱۳
زمان‌های فعل ۱۱۴
نفی و اثبات در فعل ۱۲۱
وجه فعل ۱۲۲
اسم ۱۲۳
اشتقاق اسم معنی (شیوه‌ی بنای اسم معنی) ۱۲۶
نقش‌ها یا حالت‌های اسم ۱۲۸
اقسام فاعل ۱۲۸
اقسام اضافه ۱۳۱
اقسام صفت ۱۳۳
قید ۱۴۰
اقسام قید ۱۴۲
مرجع ضمیر ۱۴۴
انواع ضمیر ۱۴۴
فاعل و فعل ۱۵۰
تست‌های آخر فصل ۱۵۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۶۳

فصل سوم: قافیه و عروض

قافیه ۱۶۷
انواع قافیه ۱۷۴
عروض ۱۷۶
تاریخچه علم عروض ۱۷۶

عنوان **صفحه**

فایده علم عروض ۱۷۶
تست‌های آخر فصل ۱۹۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۰۶

فصل چهارم: فنون بلاغت و صناعات ادبی

صنایع بدیع ۲۱۳
انواع شعر فارسی ۲۱۶
صنایع معنوی: بدیع ۲۱۷
تست‌های آخر فصل ۲۲۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۳۷

فصل پنجم: معانی

دربارهٔ علم معانی ۲۴۳
تاریخچهٔ علم معانی ۲۴۳
نقد بلاغی ۲۴۳
علم معانی ۲۴۴
مقتضای حال ۲۴۴
تأثیر کلام ۲۴۴
فصاحت و بلاغت ۲۴۴
عیوب فصاحت ۲۴۵
مختصات سبکی ۲۴۶
جملات خبری ۲۴۶
معانی ثانوی جملات خبری ۲۴۶
خبر و انشاء ۲۴۷
اخبار در سبک ادبی ۲۴۷
اقسام خبر بنا به حال مخاطب ۲۴۷
احوال مسندالیه ۲۴۸
حذف مسندالیه ۲۴۸
تنکیر مسندالیه ۲۴۹
مسندالیه با صفت اشاره ۲۴۹
اسم عام ۲۴۹
مسندالیه همراه با صفت‌های مبهم ۲۴۹
مسندالیه ضمیر ۲۵۱
احکام دیگر ضمیر به طور کلی ۲۵۱
تقدیم و تأخیر مسندالیه ۲۵۱
مسندالیه مقیّد ۲۵۱
احوال مسند ۲۵۲
ذکر و حذف مسند ۲۵۲
تقدیم و تأخیر مسند ۲۵۲

عنوان **صفحه**

تکرار مسند ۲۵۲
تنکیر مسند ۲۵۲
حذف متمم فعل ۲۵۳
قصر و حصر ۲۵۳
انواع قصر نسبت به اعتقاد مخاطب ۲۵۴
مقاصد کاربرد قصر ۲۵۵
طرق قصر ۲۵۵
جملات پرسشی ۲۵۵
سؤال از غیرانسان ۲۵۷
سؤال بلاغی ۲۵۷
جملات امری ۲۵۸
فعل نهی ۲۵۸
جملات عاطفی ۲۵۹
انشاء ۲۵۹
ندا ۲۶۰
تمنی و ترجی ۲۶۰
دعا ۲۶۰
ایجاز، اطناب، مساوات ۲۶۰
وصل و فصل ۲۶۲
خروج از هنجار ۲۶۳
تست‌های آخر فصل ۲۶۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۷۳

فصل ششم: بیان

سبک ادبی ۲۷۹
موضوع علم بیان ۲۷۹
تعریف علم بیان ۲۸۰
ادای معنای واحد به طرق مختلف ۲۸۰
فایده علم بیان ۲۸۰
قرینه ۲۸۰
قرینه لفظی یا مقالی ۲۸۱
قرینه معنوی یا حالی ۲۸۱
متدولوژی ادبیات ۲۸۱
مجاز ۲۸۱
۱- علاقه کلیت و جزئیت ۲۸۱
۲- علاقهٔ حال و محل یا ظرف و مظروف ۲۸۲
۳- علاقهٔ لازمیت و ملزومیت ۲۸۲
۴- علاقهٔ سببیّت یا علت و معلولی ۲۸۲
۵- علاقه عموم و خصوص ۲۸۲

عنوان **صفحه**

- علاقهٔ ما کان و ما یکون ۲۸۳
۷- علاقهٔ جنس ۲۸۳
۸- علاقهٔ صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه ۲۸۳
۹- علاقه مجاورت ۲۸۳
۱۰- علاقهٔ قوم و خویشی ۲۸۳
۱۱- علاقهٔ تضاد ۲۸۳
۱۲- علاقهٔ شباهت ۲۸۴
۱۳- مجاز مرکب ۲۸۴
تشبیه ۲۸۴
تشبیه به اعتبار طرفین آن ۲۸۴
تشبیه خیالی و وهمی ۲۸۵
تشبیه وهمی ۲۸۵
تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن ۲۸۵
فرق مقید و مرکب ۲۸۶
وجه شبه تحقیقی و تخیلی ۲۸۶
وجه شبه دوگانه یا صنعت استخدام ۲۸۶
وجه شبه مفرد، متعدد و مرکب ۲۸۶
تشبیه تمثیل ۲۸۶
زاویهٔ تشبیه ۲۸۷
اضافه تشبیهی ۲۸۷
اضافه تلمیحی ۲۸۷
اضافه سمبلیک ۲۸۷
غرض از تشبیه ۲۸۷
نو کردن تشبیه ۲۸۸
استعاره ۲۸۸
قرینه ۲۸۹
استعاره مصرحه ۲۸۹
استعاره مکنیه تخییلیه ۲۸۹
پرسونیفیکاسیون ۲۹۰
استعاره تبعیه ۲۹۰
تناس تشبیه و حقیقت ادعایی ۲۹۰
استعاره قریب و بعید ۲۹۱
وفاقیه و عنادیه ۲۹۱
سمبل ۲۹۱
اضافه سمبلیک ۲۹۱
تمثیل ۲۹۲
فابل ۲۹۲
تمثیل غیرحیوانی ۲۹۲
اسطوره ۲۹۲

عنوان **صفحه**

اضافه اساطیری ۲۹۲
تشبیه تلمیحی ۲۹۲
اضافه تلمیحی ۲۹۳
اسطوره و معنای رمزی ۲۹۳
آرکی تایپ ۲۹۳
کنایه ۲۹۳
کنایه قریب و بعید ۲۹۴
فرق کنایه با استعاره ۲۹۵
تست‌های آخر فصل ۲۹۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۹۹

فصل هفتم: آئین نگارش و ویرایش

نکاتی درباره رسم الخط فارسی ۳۰۳
۲- فعلهای ربطی و قواعد آن ۳۰۵
۳- ضمیر اضافی و قواعد آن ۳۰۶
۴- انواع (یا/ی) و قواعد نگارش آن ۳۰۶
۵- نشانه اضافه (ـِء، ی) ۳۰۷
۶-حرف (ة — ـة - ـه — ه) (تای زاید یاهای بیان حرکت) ۳۰۷
۷- تنوین (ـٍ ـً) ۳۰۸
۸- الف مقصور (کوتاه) ۳۰۹
۹- فصل و وصل کلمهها در نگارش فارسی ۳۱۰
قواعد نقطه گذاری ۳۱۶
روش تحقیق و پژوهشهای علمی ۳۲۲
مراحل تحقیق ۳۲۲
۵- پاورقیها و منابع و مآخذ تحقیق ۳۲۳
استناد به کتاب ۳۲۳
طرز نوشتن فهرست منابع و مآخذ ۳۲۵
فهرستهای دیگر ۳۲۵
تست‌های آخر فصل ۳۲۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۲۸

فصل هشتم: سبک‌شناسی

انواع نثر پیش از اسلام ۳۳۱
مختصات نثر قدیم ۳۳۱
مختصات نثر پهلوی ساسانی ۳۳۲
تفاوت نثر پهلوی و نثر دری ۳۳۲
علوم و ادبیات در عهد مغول ۳۳۲
دخول لغات مفعولی در نظم و نثر ۳۳۳
ظهور سبک و شیوهٔ تازه ۳۳۳

عنوان **صفحه**

سعدی و نثر فارسی ۳۳۴
تأثیر مغول در ادبیات فارسی ۳۳۴
انحطاط نثر فارسی ۳۳۴
سبک نثر در عهد تیمور و بعد از او ۳۳۵
سبک نثر در ایران و هند ۳۳۶
خرابی نثر و ساده نویسی ۳۳۷
کتب علمی ۳۳۷
قرن سیزدهم و رستاخیز ادبی: (بازگشت ادبی) ۳۳۷
تفنن ادبی و بروز سبکهای مختلف ۳۳۷
پیشروان تجدد ادبی ۳۳۸
نثر ساده به تقلید از اروپا ۳۳۸
کتب علمی از قرن دهم تا سیزدهم ۳۳۹
مقایسه نثر علمی هفتصد سال پیش با نثر صد سال پیش ۳۳۹
انقلاب مشروطیت ایران ۳۳۹
سبک تازه نثر ۳۳۹
تست‌های آخر فصل ۳۴۲
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۴۳
منابع و مآخذ ۳۴۴

فصل اول

تاریخ ادبیات ایران

فصل اول

تاریخ ادبیات ایران

مقدمه

علم ادب = یا سخن سنجی در اصطلاح قدما عبارت بوده است از معرفت به احوال نظم و نثر از جهت درستی و نادرستی و خوبی و بدی و مراتب آن

موضوع علم ادب = دو فن نظم و نثر می باشد.

فایده علم ادب = مهارت یافتن درصناعات نظم ونثر است.

علوم ادبیه

علم ادب در اصطلاح علماء ادبیت شامل اکثر علوم ادبیه می‌شود ازقبیل نحو، صرف، معانی وبیان وعروض ولغت وامثال آنها.

ادیب کسی است که دارای تمام این علوم یا یکی از آن‌ها باشد وفرق بین ادیب وعالم آن است که ادیب از هرچیزی خوبتر وبهترش را انتخاب می‌کند ولی عالم تنها یک مقصد را گرفته درآن مهارت می یابد.

ارکان علم ادب:

ارکان علم ادب چهارچیز است: یعنی کسی که می خواهد با ادبیات سروکار داشته باشد از داشتن این چهارچیز ناگزیر است:

۱- قوای ذوقی وعقلی مانند استعداد برای ادراک علوم ومعارف وقوۀ حفظ معانی وقوۀ تأثر واحساس وقوه درک دقایق و لطایف

۲- دانستن اصول قوانین نظم ونثر وانواع انشاء وشعر وفنون خطابه

۳- مطالعه تصنیفات بلغا وتتبع وافی درجزئیات

۴- تمرین بسیار درسبک‌های علمای قدیم واقتدای فصحا وبلغا درحل وعقد نظم ونثر.

تاریخ ادبیات ایران از قدیمی ترین ازمنۀ پیش از اسلام تا قرن پنجم هجری:

تاریخ ادبیات ایران طبعاً به دو قسمت مهم تقسیم می‌شود:

۱- دورۀ قبل ازاسلام

۲- دورۀ بعد از اسلام

دورهٔ قبل از اسلام:

دورهٔ قبل از اسلام به سه قسمت تقسیم می‌شود:

۱- دورهٔ قدیم اول یعنی از قدیمی ترین ازمنه تاریخی تا ۳۳۱ قبل از میلاد

۲- دورهٔ فترت وانحطاط ادبی یعنی از سال ۳۳۱ قبل از میلاد تاسال ۲۲۶ میلادی

۳- دورهٔ قدیم دوم یعنی از سال ۲۲۶ تا سال ۶۵۰ میلادی

دورهٔ قدیم اول:

این دوره از قدیمی ترین ازمنه تاسال ۳۳۱ پیش از میلاد که داریوش سوم به قتل رسید ودولت هخامنشی که مبداء تأسیس آن به دست کوروش کبیر به سال ۵۵۰ پیش ازمیلاد شده به دست اسکندر مقدونی منقرض گشت.

ایرانی‌ها دراین دوره به تمدن نزدیک شده و از حالت صحرانشینی خارج گشته بودند ودولتی مانند دولت هخامنشی که مقتدر ترین دول روی زمین درآن عصر به شمار می‌رفت شدند، آداب وعلوم ورسوم مذهبی واجتماعی ایرانیان دراین عصر سرچشمه آداب و رسوم بسیاری از ملل روی زمین گشت، دراین عصر صیت اقتدار و تمدن ایرانیان سرتاسر دنیای متمدن را فراگرفته بود وتقریباً بر تمام ملل دول حیه آن عصر تسلط وفرمانروایی داشتند و آثار این عهد به کلی محو و نابود شده است وچندان چیز مبسوطی باقی نمانده است.

زبان در دورهٔ قدیم اول:

ایرانی اصلاً از نژاد آرین واز چندین شعبهٔ مردمان هند و اروپاییست. این مردم بیش ازچهارهزار سال قبل از میلاد با یکدیگر به قول بعضی درآسیای وسطی وبه عقیدهٔ برخی در سواحل رود ولگا و به قول بعضی در سواحل دریای بالتیک وبه حدس برخی درشبه جزیره اسکاندیناوی زندگانی می‌کردند.

شعبه آرین به سه شعبه تقسیم می شد:

۱- شعبه هندی

۲- شعبه ایرانی

۳- شعبه سکایی

زبان آرین:

مادر تمام السنه عالم غیر از زبان چینی وسریانی وعربی وعبری، زبان آرین است. زبان آرین درحدود سه هزار سال قبل ازمیلاد دروسط آسیا درمیان قومی زراعت پیشه متداول بوده است. زبان آرین مادر زبان فارسی، پهلوی، ارمنی، سغدی وزبان افغانی است.

زبان سانسکریت:

زبانی است که کتاب ودای براهمه بدان نوشته شده است و اصل این کلمه مرکب از دو لفظ سن (به معنی کامل) وسکریت (به معنی آفریده) است. پس این کلمه درزبان سانسکریت به معنی آفریده شده کامل است.

زبان سانسکریت دوقسم است یکی خالص اصلی که شبیه زبان گات‌های زرتشت است ودیگری مخلوط که سانسکریت تاتاری هم می‌گویند و شباهت به زبان لاتینی و یونانی دارد.

زبان زند = قدیمی ترین زبانی که از ایرانی ها باقی مانده است، زند است که آن را باکتریانی قدیم نیز می گویند. زیرا در باختر یعنی مشرق ایران بدان تکلم می‌کردند. اصطلاح زبان زند از اروپاییان است.

زبان زند زبانی است که کتاب اوستا بدان نوشته شده است و اوستا ازکتب قدیم مذهبی ایرانیان است. فصول مختلف اوستا درزمان ساسانیان جمع آوری شد وبدین وجه تقسیم بندی گردید.

۱- یسنا: مشتمل بر آداب مذهبی و ادعیه که درمقابل آتش خوانده می‌شود. گات ها یعنی سروده‌های مذهبی جزء قسمت یسناست.

۲- وسپرد که حاوی آداب عبادت است واین قسمت متمم یسناست.

۳- وندیداد= دستورعمل هایی است که برای غلبه بر دیوان یعنی قوای زشت و بد و مشتمل است بر قوانین اخلاقی و تزکیه نفس واخباری که راجع به خلقت عالم است.

۴- یشت = سرودهایی است که راجع به موجودات عالی خلقت است.

۵- خرده اوستا = یعنی اوستای کوچک کتاب دعا وحاوی بعضی ادعیه کوچک است که در ماهها و روزها خوانده می شد.

باری زبان زند تقریباً درحدود هزار سال قبل از میلاد درایران معمول بوده وشایدتاسال ۵۵۰ پیش از میلاد یعنی زمان تشکیل دولت هخامنشی امتداد یافته باشد.

ورود لغات اجنبی درزمان ایرانی یا دخول لغات تورانی یا ترکستان و سیمیتیکی یعنی کلده وآشور.

نظر به این که مملکت ایران در ازمنهٔ قدیم محدود به مملکت توران یا ترکستان وسیمیتیک یعنی کلده و آشور وعیلام بوده است، دراثر مجاورت وآمیزش با آن‌ها مخصوصاً در دورهٔ تسلط آشوری ها یک دسته از کلمات بلکه آداب وعادات آن‌ها داخل زبان خالص ایرانی شده است دخول لغات تورانی و سیمیتیک درلغت خالص ایرانی قطعاً پیش از قرن ششم پیش از میلاد بوده است.دخول الفاظ وآداب آشوری وسیمتیک درکتاب اوستا هم اثر کرده است.

زبان فرس قدیم

زبان فرس قدیم از مشتقات زبان آریایی و برادر سانسکریت و اوستا و پدر زبان پهلوی وجد زبان فارسی کنونی است. این زبان در دورهٔ سلطنت هخامنشی یعنی از ۵۵۰ قبل از میلاد تا ۳۰۱ پیش از میلاد در ایران معمول بوده است.

📖 **نکته:** زبان فرس قدیم دراواخر دورهٔ هخامنشی مخصوص کتیبه ها و فرامین بوده و زبان متداول عمومی دراواخر آن دوره زبان پهلوی بوده است.

خط و زبان کتیبه های هخامنشی

کتیبه‌های هخامنشی عموماً (به استثنای زبان آرامی) به خط میخی نوشته شده است، با این تفاوت که بعضی فقط به زبان فرس قدیم و برخی به سه زبان پارسی قدیم – عیلامی – آشوری و برخی با چهارزبان پارسی قدیم، عیلامی، آشوری – آرامی نوشته شده است.

دورهٔ فترت و انحطاط ادبی (از سال ۳۳۱ قبل از میلاد تا ۲۲۶ میلادی)

دورهٔ دوم پیش از میلاد شروع می‌شود از موقع انقراض دولت هخامنشی یعنی؛ ۳۳۱ قبل ازمیلاد تا زمان شاهنشاهی اردشیر بابکان ساسانی ۲۲۶ میلادی و این دوره نامیده می‌شود، به دورهٔ انحطاط بیش از اسلام یا دورهٔ اشکانی و اسکندری همانطور که گفتیم ایرانیان دورهٔ هخامنشی از علوم وصنایع وکمالات وادبیات به قدرکافی نصیب داشته با غلبهٔ اسکندر مقدونی بر

ایران وفوت داریوش سوم درسال ۳۳۰ پیش از میلاد، دولت هخامنشی رادرایران منقرض وبه کلی احوال و آداب وعلوم ایرانیان را زیرو رو ساخت وانقلاب سیاسی وادبی مهمی گشت.

باری بقول دسته‌ای از مورخین بعد از آن که اسکندر برایران تسلط یافت هرچه از کتب علمی ایرانی را به نظر خود پسندید امرکرد که به یونانی ترجمه کنند و سپس اصل این نسخ را با سایر آثار و نوشته‌های کتب ایرانی محو و نابود ساخت و در حالت مستی استخر را که پایتخت هخامنشی بود، خراب کرد وآتش زد وکتابخانه آن جا را که مشتمل بر آثار علمی ومذهبی و ادبی بود سوخت، و همین جنایت را با اغلب آثار ایران قدیم معمول داشت .وخلاصه بعد از اسکندر دوباره اوضاع ایران دچار اختلال شد، تا اینکه اشکانیان که (از ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۲۶ میلادی) در ایران سلطنت کردند، به حکومت رسیدند.

اشکانیها یا پارت ها عموماً اهل جنگ بوده واز علوم بهره نداشته و از این رو حمایت از علوم و آداب ایرانی نکرده، بلکه برعکس در ترویج ادبیات و علوم سایر ملل و محو کردن آثار علمی و ادبی ایرانیان کوشیدند.

زبان و خط

زبان رسمی اشکانیان عده‌ای می گویند، یونانی و عده‌ای می‌گویند، مرکب از ایرانی وتورانی بوده است وزبان دری که مخلوطی از چند زبان است همان زبان پارت ها بوده است. و این قول صحیح نیست چه زبان دری مطابق آنچه به تحقیق نزدیکتر، عبارت بوده است از زبان فصیح قلمی عصر ساسانیان و بعضی زبان دورهٔ اشکانی را پهلوی گفته‌اند.

اما خط این دوره: عده‌ای معتقدند که خط یونانی متداول بوده و برخی گویند زبان آن‌ها همان زبان پهلوی است که محض امتیاز با پهلوی دورهٔ ساسانی آن را به پهلوی اشکانی معروف کرده‌اند وگویند اصل کلمهٔ پهلوی از پرثو یعنی پارت و لفظ پرثو تبدیل به پرهو و بعد پهلو شده است و لفظ پهلوی و پهلوانی در معنی منسوب به پارت می باشد و شاهزادگان و نجبای پارتی از این جهت خود را پهلو و پهلوانی نامیده‌اند، که منسوب به قوم پارت بوده‌اند.

دورهٔ سوم پیش از اسلام:

دورهٔ ساسانی از سال ۲۲۶ تا ۶۵۰ میلادی:

این دوره شروع می‌شود از مواقع انقراض دولت اشکانی در ایران (۲۲۶ م) و تأسیس دولت ساسانی، به همت اردشیر بابکان تا حدود انقراض دولت ساسانی و قتل یزدگرد سوم در (۶۵۰ م)، دولت ساسانی درمیان ملل شرق بزرگترین دولت مقتدر آن عهد محسوب می شده است. قسمتی از این دوره صرف احیای مأثر قدیم و ترمیم خرابی‌های گذشته شد و قسمتی هم صرف تکمیل نواقص وکسب فضایل وکمالات لازمه گشت.

اردشیر اول در زمان شاهنشاهی خود (۲۲۶ – ۲۴۱ م) نخست به ترویج مذهب زردشت پرداخت. آتشکده‌های خاموش را روشن و مغها را مورد احترام ساخت و موبدان موبد یعنی رئیس روحانیان را به مقامات عالیه ترقی داد و به جمع آوری ا وستا که از عهد بلاش اول اشکانی شروع شده بود، همت گماشت واین کار را به تنسر نامی که هیربدان هیربد بود، محول نمود وبالاخره کتاب اوستا را جمع آوری کرد وامر نمود که به پهلوی برآن تفسیر بنویسند واین تفسیر همان زند معروف است.

اردشیر مذهب زردشت را دوباره مذهب رسمی عمومی ودولتی قرارداد واز هر طرف مردم را به متابعت آیین زردشت ودینداری تشویق کرد. چنان که تنسر سابق الذکر کاغذی به پادشاه طبرستان گشتاسب نوشت و او را به تکمین اردشیر تشویق نمود، این مراسله را ابن مقفع درقرن دوم هجری از پهلوی به عربی ترجمه کرده ودر قرن ششم هجری ابن اسفندیار ترجمهٔ عربی را به زبان فارسی نقل کرده ودر مدخل کتاب تاریخ طبرستان گنجانده. در دورهٔ ساسانیان اولین نهضت ایرانی از زمان شاپور اول (۲۴۱ – ۲۷۱) میلادی شروع می‌شود، زیرا که این پادشاه مقتدر در اثر پیشرفت‌های سیاسی و غلبه بر لشکر

روم واسیر کردن والرین امپراطور روم وجمع کثیری از رومیان کمر همت بر آبادی مملکت و نشر علوم و آداب بر بست و به واسطهٔ تشویق و ترغیب او عموم مردم به تعلیم و تعلم و به استنساخ کتب علمی مایل شدند و درنتیجه علوم وآداب شهرتی گرفت وزمینه برای پیشرفت علمی و ادبی ایرانیان به خوبی آماده گشت. و از شاهان دیگر بهرام گور که ذوق ادبی فطری ومیل بسیار مخصوصاً به موسیقی وادبیات داشت، چنانکه مسعودی مورخ مشهور درکتاب معروف مروج الذهب می‌نویسد، که بهرام گور به فارسی و عربی اشعار بسیار انشاء کرد.

خط در دورهٔ ساسانی:

خط دورهٔ ساسانی خط پهلوی بوده است ودلیل براین مطلب مسکوکات و کتیبه ها وآثار دیگر است که از آن دوره به دست آمده است. خط پهلوی درحقیقت ریشهٔ خط فعلی ما و مادر خط کوفی است ودو شیوه یا قسم داشته است، یکی پهلوی کلدانی و به تعبیر دیگر پهلوی اشکانی وقسم دیگر پهلوی ساسانی و این هر دو قسم درزمان ساسانیان معمول بوده و آثاری ازآن‌ها باقی مانده است. درعهد ساسانیان علاوه برخط پهلوی چند قسم خط دیگر نیز ایجاد شده است:

۱- خط مانی

۲- خط سغدی

۳- خط اوستایی

۱- خط مانی: این خط اصلاً از خط آرامی اقتباس شده وصاحب کتاب الفهرست (ابن الندیم) از مشاهیر رجال قرن چهارم هجری می‌نویسد، خط مانی از خط فارسی و سریانی اقتباس شده و حروفش از خط عربی زیادتر است.

۲- خط اوستایی: خطی است که کتاب اوستا را بدان می‌نوشته‌اند و به نوشتهٔ بعضی در قرن ششم میلادی اختراع شده است.

۳- خط سغدی: این خط هم از خط آرامی اقتباس شده وآثار آن درآسیای وسطی یافته اند وگویا ابتدا همان‌جا انتشار یافته و بعدها به خط مغول تبدیل یافته است.

خط پهلوی بعد از اسلام

خط پهلوی در دورهٔ ساسانیان رواج داشت وشیوع آن تا حدود یک قرن بعد از اسلام یعنی؛ اواسط دولت بنی امیه امتداد یافت ومسکوکات اوایل اسلام بیشتر به همان خط پهلوی بود.

در زمان معاویه سکه ها به خط فارسی پهلوی بوده است. خط پهلوی تا اواسط عصر بنی امیه رواج داشت وتازمان حجاج بن یوسف ثقفی ایرانیان دفاتر دیوان عراق را با خط پهلوی اداره می‌کرده‌اند و حجاج درمقام برآمد که خط پهلوی را تبدیل به عربی کند ویک نفر از خود ایرانیان این کار را بر عهده گرفت، به نام صالح بن عبدالرحمن سیستانی که ابتدا نزد زادان فرخ نامی منشی بود.

زبان در دورهٔ ساسانی:

زبانی که از این دورهٔ معروف است، زبان پهلوی است وعبدالله بن مقفع بزرگترین نویسندهٔ ایرانی دراوایل قرن دوم اسلام می گوید که:

پهلوی منسوب است، به پهله و پهله نام چند شهر مهم ایران بوده است (اصفهان، ری، همدان، نهاوند، آذربایجان) وچون دراین شهر ها این زبان متداول بوده است، آن را پهلوی گویند.

شعب مختلف زبان فارسی:

در زبان فرهنگ نویسان و ادبا و مورخین غیر از فارسی پهلوی وفارسی قدیم چند زبان دیگر هم معروف بوده است. دری، خوزی، سغدی، هروی، زابلی، سکزی ومیان این زبان‌ها از همه معروف تر، زبان دری است که در زبان ادبا و شعرا نیز خیلی معروف است. راجع به وجه تسمیه دری واین که اصلاً چه زبانی بوده است، عقاید مختلف است، عده ای آن را منسوب به دره کوه دانسته و عده‌ای نیز گویند که زبان دری زبان مخصوص دربار بوده است و لفظ دری به معنی درباری است.

رواج زبان پهلوی تا بعد از اسلام

چنان که خط پهلوی در قرون ا ولای اسلام معمول بوده زبان پهلوی نیز تا قرن ۲ و۳ مشهور بوده وتاقرن ۵ در زردشتیان برای مسطورات مذهبی به کار می‌رفته است، ولی دراین موقع زبان پهلوی و عامه نمی‌فهمیدند و تنها معدودی از فضلا نظیر ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی .

فخرالدین اسعد گرگانی معروف به فخری گرگانی سال ۴۴۰ هجری قصۀویس ورامین را از پهلوی به فارسی ترجمه کرد و به نظم درآورد.

موسیقی در دورۀ ساسانی:

در عهد ساسانی موسیقی خیلی اهمیت داشت و اعتبار پیدا کرده بود، به حدی که برای موسیقی وزیر مخصوص معین کرده بودند و اشخاص نامی از قبیل: باربد، نکیسا، با مشاد، رامتین از موسیقیدانان معروف این دوره‌اند.

رسم چنین بوده که در مواقع عشرت و عیش شخصی برای پرده برداری به نام خرم باش معین بوده ومطربان ورامشگران پشت پرده می‌نشستند و به اشارۀ خرم باشی شروع به نغمه و اشعار مخصوص می‌کرده‌اند.

موسیقی درزمان خسرو پرویز بسیار ترقی کرده و باربد ازموسیقی دانان معروف عهد اوست.

شعر در دوره ساسانی:

تردیدی نیست از اینکه درعهد ساسانیان شعر وجود داشته ولابد با غناهای موسیقی ترانه‌های شعری و نغمه‌های موزون توأم بوده است. اما شعر در عصر ساسانی نظیر اشعار امروزی موزون و مقفی نبوده است.منتها نثر مسجع را که دارای نوعی تخیلات شاعرانه باشد را شعر می خواندند. لحن خسروانی از لحن‌های موسیقی دورۀ ساسانیان است و لحن مسجعی بوده است.

از جمله اشعار دورۀ ساسانی سرود کرکوی است که به قول صاحب تاریخ سیستان در آتشگاه کرکویه درستیان می‌خوانده‌اند.

علوم در دورۀ ساسانی:

۱- طب وطبیعیات: علوم طبیعی مخصوصاً طبابت دراین دوره رونق شایانی داشته است، انوشیروان در شهر جندی شاپور مدرسه وبیمارستان تأسیس نمود واز هرجا اطبا ودانشمندان را برای تعلیم به آنجا جلب کرد، حارث بن کلده ثقفی دربیمارستان جندی شاپور تحصیل کرد و پس از مراجعت در طائف این علم را در عرب رواج داد.

۲- فلسفه: فلسفه وحکمت ومنطق

ایرانیان در این رشته از علوم ترقی کامل داشته و ذوق فطری آنان بااین دسته از علوم آشنایی ذاتی داشته است.

حکمت افلاطونی درزمان انوشیروان درایران رواج یافت و کتب یونانی به فارسی ترجمه شد.

ریاضیات و نجوم و هیئت:

ایرانیان از دیر زمانی با علوم ریاضی ونجوم وهیئت مربوط بوده و آن‌ها را به خوبی می‌دانسته‌اند، بعد از اسلام خیلی از کتب نجوم وریاضی ایرانیان به عربی نقل شد واصل تمدن اسلامی گشت.

نثر و خطابه و تاریخ:

این دسته از علوم که درحقیقت جزء فنون ادبیه است، درزمان ساسانیان به سرحد کمال رسیده بود ویکی از معلمین خطابه گوی عالم بشری زردشت پیغمبری مجوس است که درخطابه وتأثیر نطق به حدی بود، که به مقام نبوت و پیغمبری رسیده بود.

نمونه نثر این دوره:

از نثر این دوره نمونه هایی در کتیبه‌ها باقی است که از آن جمله عبارت کتیبه نقش رستم از اردشیر بابکان، و دیگر از آثار مفصل این دوره دو کتاب کارنامهٔ اردشیر و یادگار زریران و نامهٔ تنسر است.

بعضی از آثار دوره ساسانیان: از آثارمشهوری که راجع به صنایع دورهٔ ساسانی و ابنیه و عمارات آن عصر به ما رسیده است، به قرار ذیل است،

۱- چهارطاق سروستان
۲- درفیروز آباد = آثارمخروبه طاق ها ودیوارها که گویند یادگار عصر ساسانی است.
۳- تخت خسرو یا طاق کسری
۴- طاق بستان یا طاق وستام یا تخت بستان
۵- درنقش رستم نزدیک تخت جمشید مجالس هجاری شده ای از دورهٔ ساسانی است.
۶- در شاپور = چند فقره حجاری تاریخی است.
۷- درنقش رجب یا نقش قهرمان سه مجلس حجاری شده .
۸- قصر شیرین
۹- طاق ایوان
۱۰-سه شوشتر

حکما و دانشمندان وموسیقی دانان و صنعتگران ایرانی قبل از اسلام:

اسامی مشاهیر:

۱- انوشیروان عادل = از سال ۵۳۱ تا ۵۷۹ م سلطنت کرده
۲- بزرگمهر یا بوذر جمهر، قرن ۶ میلادی از حکما و دانشمندان عهد ساسانی است.
۳- برزویهٔ طبیب: که حکیم باشی مخصوص انوشیروان بوده ودرسال ۵۳۲ میلادی
۴- باربد= از نوازندگان معروف عصر ساسانی در دورهٔ خسرو پرویز و در فن موسیقی مهارت کامل داشت.
۵- بامشاد = از موسیقی دانان معروف و زبردست دورهٔ ساسانی است.
۶- رامتین = از چنگ نوازان عهد خسرو پرویز
۷- نکیسا= از مشاهیر موسیقی دورهٔ ساسانی است.

کتب و مؤلفات منسوب به ایرانیان پیش از اسلام با مترجم آن‌ها بعد از اسلام:

۱- خدای نامه = موضوع: تاریخ سلاطین ایران درزمان یزدگرد شهریار جمع آوری وتألیف شده وعبدالله بن مقفع درقرن ۲ هجری آن را به عربی ترجمه کرد، درسال (۳۴۶)-۴ نفر زردشتی برای حاکم طوس به فارسی ترجمه کردند، که به شاهنامهٔ ابو منصور معروف است و مأخذ مهم فردوسی ودقیقی همین کتاب بوده است.

۲- کلیله ودمنه = ابن مقفع آن را به عربی نقل کرده

۳- آیین نامه

۴- مزدک نامه

۵- تاج در سیرت انوشیروان

۶- ادب کبیر

۷- ادب صغیر

۸- الیتیمه = از ابن مقفع

۹- سیرملوک العجم = این کتاب متعدد بوده است، یکی را ابن مقفع ترجمه کرده و دیگری را زادویه بن شاهویه اصفهانی و دیگری را محمد بن بهرام اصفهانی

۱۰-۱۱- رستم واسفندیار و بهرام شوش = این دو کتاب را جبله بن سالم از پهلوی به عربی ترجمه کرده است.

۱۲- هزار افسانه = به عربی ترجمه شده وموسوم به الف لیل ولیله است.

۱۳-۱۴- شهریزاد – اپرویز – دارا و بت زرین

۱۵-۱۶ – بهرام و نرسی – داستان خرس وروباه

۱۷- سندباد نامه = کتابی مانند کلیله ودمنه ا ز پهلوی به عربی منتقل شده است.

۱۸- زیج شهریار یا زیج شاه = درخصوص نجوم این کتاب را ابوالحسن علی بن زیاد تمیمی از پهلوی به عربی ترجمه کرد.

۱۹- کارنامه اردشیر یا کارنامک ارت خشتر پاپکان: این کتاب از کتب ادبی است که به عربی نقل شده و ناقل آن معلوم نیست.

۲۰- یادگار زرایران

۲۱- فرهنگ پهلوی کتاب کارنامه اردشیر = قرن ۶ میلادی نوشته شده

۲۲- داستان ویس ورامین – از فخرالدین اسعد گرگانی = قرن ۵ هجری در اصفهان ازاصل پهلوی به فارسی نقل کرده

۲۳- قصه خسرو وشیرین و فرهاد

۲۴- قصهٔ زال ورودابه

۲۵- داستان بیژن و منیژه

۲۶- نامهٔ تنسر= ابن مقفع به عربی ترجمه کرده ودرقرن ۶ هجری ابن اسفندیار ترجمه عربی را به زبان فارسی نقل نموده.

۲۷- ظفرنامه منسوب به بزرگمهر که آن را ابوعلی سینا درعهد نوح سامانی از پهلوی به فارسی اسلامی نقل کرده است.

۲۸- کتاب بزرجمهر = درمسائل زیج در دورهٔ صفویه معمولاً درمدارس اصفهان می‌خوانده‌اند.

تاریخ ادبیات ایران بعد از ا سلام

تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام به چند دوره تقسیم می‌شود:

۱- از آغاز اسلام تا قرن ۵ هجری

۲- از قرن ۵ هجری تااستیلای مغول برایران

۳- از اوایل قرن ۷ تا اواخر قرن ۹
۴- از اواخر قرن ۹ تا اول دولت قاجار
۵- از بدو تأسیس دولت قاجار، تاآغاز مشروطیت
۶- از آغاز مشروطیت تاکنون

و ممکن است تاریخ ادبیات ایران را بعد ازاسلام به سه دورهٔ مهم تقسیم کرد:

اول: انقراض ساسانیان تاحملهٔ مغول مشتمل برعصر خلفا – طاهریان – صفاریان – سامانیان – غزنویان - ال زیار وآل بویه – سلاجقه واتابکان و خوارزمشاهیان

دوم: از حملهٔ مغول تا انقراض دولت صفویه مشتمل برعصر مغول و ایلخانیان و آل مظفر و تیموریان و ترکمانان و صفویه واین عصر را اصطلاحاً نامیده‌ایم، به عهد مغولی و صفوی یا عصر خواجه طوسی و سعدی

سوم: از انقراض صفویه تاعهد مشروطیت ایران مشتمل برعهد نادری و زندیه و قاجاریه و غیره و این عصر را اصطلاحاً نامیده‌ام، به عهد قاجاری و امیر کبیر یا عهد سبزواری و قاآنی و دورهٔ چهارم: از آغاز مشروطیت ایران تاکنون

انقراض دولت ساسانی و حملهٔ عرب بر ایران

سلطنت ساسانی به همت اردشیر بابکان در ۲۲۶ میلادی و به قولی ۲۲۴ تأسیس شد و در زمان شاپور حرارت جوانی یافت و بعد از آن یک یا چند به ترقی و رشد و مدتی در حال وقوف گذارنیدند و در زمان انوشیروان رمق تازه گرفت و بعد از آن به حد پیری وضعف رسید ورفته رفته به انحطاط خود افزود، تا این که راه زوال پیمود و آخرین پادشاه بخت برگشته ساسانی یزدگرد سوم با حالت آوارگی وبیچارگی در مرو به دست آسیابانی کشته شد.(۹۵۲ میلادی).

بعد از انوشیروان روز به روز علایم ضعف قویتر وآثار انقراض هویداتر می گشت. ایرانیان در مقابله حادثهٔ استیلای عرب پافشاری کردند واگرچه دعوت به حقیقت آیین اسلام را نظر به محاسنی که داشت، به تدریج پذیرفتند، به حدی که غالباً در دیانت مقتداری مسلمین شدند، ولی از ابتدا تا انتها هیچ وقت خفت خود واستیلای عرب را نمی پسندیدند وبه زیر بار حکومت عرب نمی‌رفتند، زیرا همیشه خود را متمدن و فرمانروا وعرب را وحشی ودست نشاندهٔ خود می دیدند، این است که درابتدای امر با وجود بحران‌های پی در پی وضعف داخلی ایران بازهم ایرانیان نسبت به سایر ملل مثل رومی ها برای دفاع ازحملهٔ عرب بیشتر پافشاری کردند و نهضت اعراب خارج شبه جزیره عربستان سورت دو دولت مقتدر آن عصر یکی شاهنشانی ایران و دیگر امپراطوری روم را درهم شکست و عرب را مالک ارقاب عمده دنیای متمدن آن عصر نمود و کاری که در دنیا سابقه نداشت پیش آورد. سلطنت تقریباً ۴۱۶ ساله ساسانی را برانداخت و رفته رفته دولت مسلمین را از ماورای سیحون تاجبل الطارق امتداد داد.

جنگ های ایران با اعراب و مقاومت در مقابل حملهٔ تازیان:

۱- جنگ ذات السلاسل: درزمان ابوبکر سال ۱۲ هجری یا ۶۳۳ میلادی به سرکردگی خالدبن ولید
۲- جنگ پل: درسال ۱۳ هجری درزمان عمر باسپهسالاری رستم فرخ زاد یا فرخ هرمز حاکم خراسان ودر تحت فرماندهی بهمن جادو درقشون ایران وسرکردگی ابوعبید بن مسعود تقفی از لشکر عرب .
۳- جنگ قادسیه: در اواخر سال ۱۴ هجری درزمان عمر پس از فراغت از فتوحات شام و فلسطین ومصر یک سره همت بر فتح ایران گماشته و سعد بن ابی وقاص به روایتی با ۳۰ هزار نفر از مسلمین مهیای فتح ایران، و رستم فرخ زاد به امر یزدگرد سوم با ۱۲۰ هزار لشکر مهیای دفاع شدند و دراین جنگ ایرانیان شکست خوردند.

۴- جنگ نهاوند: به تفسیر راویان عرب فتح الفتوح درسال ۲۱ هجری یا ۶۴۲ میلادی اتفاق افتاد.درجنگ نهاوند بالاخره مسلمین فاتح شدند و یزدگرد سوم بعد از این واقعه درصدد جمع آوری سپاه برآمد، اما نتوانست کاری از پیش ببرد و بالاخره درسال ۳۱ هجری مطابق ۶۵۲ میلادی نزدیک مرو از بیم جان به آسیابانی پناه برد وآسیابان ایرانی یا تورانی که به روایت فردوسی نام او خسرو بوده است، به طمع لباس فاخرش او را کشت و از زحمت حیاتش نجات داد و دولت ساسانی منقرض شد.

بعد ازجنگ نهاوند چندان طول نکشید، که ایالات و ولایت ایرانی از قبیل ری و اصفهان و آذربایجان و خوزستان و فارس و سیستان و مکران و غزنین و غیره را اعراب در تسلط خود قرار دادند و آخرین ایالات ایران که به تصرف عرب درآمده است خراسان می باشد که در سال ۳۱ هجری فتح شد.

مدت تسلط حقیقی عرب وتشکیل حکومت های داخلی ایران:

بعد از رحلت حضرت محمد (ص) درسال ۱۱ هجری مطابق ۶۳۲ میلادی تاسال چهلم هجرت شهادت حضرت علی (ع) دیانت اسلام تازگی ومعنویت خود را ازدست نداده بود وقانون عدالت ومساوات درمیان ملل اسلامی حکم فرما بود.

در زمان خلافت بنی امیه حکومت مذهبی مبدل به سلطنت مستبده شد وتمام کارها به دست عرب افتاد وسایر ملل خاصه ایران خوار وذلیل شدند واز این جا نفاق کلی میان عنصر عرب و عجم حادث شد ومخصوصاً ایرانی ها از حکومت عرب نفرت کلی پیدا کردند و بالاخره ایرانیان درخراسان به سرکردگی ابو مسلم اصفهانی معروف به خراسانی درسال ۱۳۴ هجری دولت اموی رامنقرض وابوالعباس سفاح را خلیفه خواندند و دولت عباسی را تشکیل دادند.

ایرانی ها خودداخل کارها شده زمام امور را به کف کفایت گرفتند وتمدن ساسانی را درلباس تمدن اسلامی و خلافت عباسی جلوه گر ساختند.

هرچند نفوذ ایرانیان در دربار خلفای عباسی درمعنی دربار ساسانی وحکومت مطلقه عنصر ایرانی را تجدید کرده بود، ولی ایرانی ها برای اعاده استقلال خود به این اندازه قناعت نکردند و درصدد بودند که اسم حکومت عربی را هم از روی ایران بردارند و از سال ۱۳۲ میلادی ا بتدای خلافت متوکل دولت عباسی رو به ضعف گذاشت و ایرانیان از اواخر قرن سوم تقریباً استقلال سیاسی ایران را تجدید کردند و تاقرن چهارم دیگر ایران از بغداد اطاعت نمی‌کرد ومستقل شد.

سلسله های پادشاهان دراین دوره:

۱- طاهریان: اولین سلسله بعد از اسلام آل طاهر بود از سال ۲۰۵ تا ۲۵۹
۲- صفاریان: ۲۵۳ تا ۲۹۱
۳- سامانیان: (۲۷۹- ۳۸۹) = سامانیان سلطنت با اقتداری تأسیس کردند
۴- دیالمه وآل بویه = سال (۳۲۵ تا ۴۴۸)
۵- دیالمه آل زیار = سال (۳۱۶ = حدود ۱۱۸ سال حکومت کردند .)
۶- غزنویان = درحکومت غزنویان تاسال ۴۳۲ سایر ایالات وولایت مهم ایران از غزنویان منتزع شده وبه سلاجقه منتقل گردید.
۷- امرای چغانی

سلسله های مذکور و علوم و ادبیات:

نخستین سلسله از سلاطین ایران بعد ا زاسلام طاهریان اند که نژاد آن‌ها عرب، ولی کاملاً مؤدب به آداب ایرانیت بوده‌اند.
آل طاهر نسبت به علوم وآداب ایرانیان خدمتی قابل ذکر نداشته‌اند.

بعضی شعرا که دراین دوره می زیسته اند = حنظله بادغیسی است و ابن الوصیف سکزی، اولین شاعر پارسی زبان است که دراین عصر ظهور کرده است.

سامانیان نسبت به علوم وآداب ایرانیان توجه کاملی کرده وشعرای زبان فارسی یعنی؛ شعرای اولیه مانند رودکی، دقیقی و شهید بلخی در این عصر ظهور کرده و در نثر آثاری چون تاریخ طبری وترجمهٔ تفسیر طبری و کتاب الابنیه عن حقایق الادویه را می توان نام برد.

خط ایرانیان بعد از اسلام:

خط پهلوی بعد از اسلام تامدتی رایج بود ودراین دوره خط پهلوی کاملاً به خط عربی تبدیل شده بود.

زبان بعد ازاسلام:

زبان فارسی بعد از اسلام با لغات عربی مخلوط شده بود ودرنظم ونثر این دوره آثار سلاست وفصاحت ومطابقت با روح زبان فارسی بیشتر از نثرهای دورهٔ بعد از قبیل نثر دورهٔ مغول وخوارزمشاهیان وغیره می باشد.

قدیمی ترین شعر فارسی بعد از اسلام:

۱- قدیمی ترین شاعر عروضی
۲- قدیمی ترین شعر هجایی یا تصنیف
۳- قدیمی ترین شعر فارسی بعد ازاسلام یعنی شهر هجایی همان است که نمونه آن را از سال ۶۰ و ۱۰۸ هجری خواندیم و اما قدیمی ترین شعر عروضی = بنابر آنچه نقل شده محمد بن وصیف سکزی از شعرا و نویسندگان فاضل دورهٔ یعقوب لیث بوده است و دبیر ومنشی رسایل وی و اول کسی است که درعجم شعر فارسی سرود وعده ای نیز حنظله بادغیسی را اولین شاعر می دانند، که تقریباً در سال ۱۴۸ هجری می‌زیسته وعده ای محمد بن وصیف وعده‌ای حنظله بادغیسی را اولین شاعر می دانند و شاعران دیگری نیز بعد اینها بودند که عبارتند از بسام کرد ومحمدبن مخلدسکزی.

حنظله بادغیسی:

از شعرای متقدم پارسی زبان بوده است که درسال ۲۲۵ وفات یافته است.

شهید بلخی:

ابوالحسن حسین بلخی از بزرگان علما و فضلا عصر سامانیان است که با ابوبکر رازی حکیم مناظره داشته است و سال وفات شهید سال ۳۲۹ است و بعضی ۳۲۰ دانسته .

عوفی در لباب الالباب می‌نویسد اشعار شهید در مدح ابوالحسن نصرتی اسمعیل سامانی است.

رودکی:

ابوعبدالله جعفربن محمد معروف به رودکی: مولد او رودک و سمرقند بود و از مادر نابینا آمد و در هشت سالگی قرآن را تماماً حفظ کرده ومعروف است که رودکی کلیله ودمنه را به فارسی منظوم به رشتهٔ نظم درآورده و منظومهٔ او مفقود شده است.

نظامی عروضی صاحب چهارمقاله، رودکی را بسیار می‌ستاید.

مجملاً باید رودکی را پدر شعر پارسی دانست و اولین کسی است که شعر را به پایهٔ عالی و محکم رسانده و خدمت شایان به زبان و ادبیات فارسی کرده است. وفات رودکی درسا ل۳۲۹ هجری اتفاق افتاده است.

دقیقی:

نام او محمد بن احمد و کنیه او را ابومنصور گفته‌اند، دقیقی درزمان سلطنت سامانیان می زیسته و دو نفر از آن‌ها را مدح گفته است:

۱- منصور بن نوح (۳۵۰ -۳۶۵)

۲- نوح بن منصور (۳۶۵ -۳۸۷)

و بعلاوه از سلاطین سامانی ابوالمظفر چغانی را نیز مدح کرده است.

وفات دقیقی را درحدود ۳۷۰ نوشته‌اند و او به دست غلام ترک خودش مقتول شده و دقیقی اولین کسی است که داستان قدیم ایران را به نظم درآورده است وبعد از او فردوسی کار ناتمام او را تمام کرد.

معروف است که دقیقی شاهنامه را به امر نوح بن منصور به رشته نظم درآورده است.علاوه بر مثنوی شاهنامه که به بحر متقارب ساخت قصاید وغزلیات هم می گفت .برخی معتقدند که دقیقی باطناً زردشتی مذهب بوده است وعده این عقیده را رد کرده‌اند.

کسایی مروزی:

کنیه‌اش کسایی ولقبش مجدالدین بوده ونظامی عروضی کنیه او را ابولحسن می‌نویسد. کسایی مردی حکیم و فاضل بوده و از شعرای قرن چهارم هجری بود. ا بوالحسن عتبی وزیر نوح بن منصور که مدت شش سال وزارت کرد و درسال ۳۷۱ به تحریک ابوالحسن سیمجور وفائق الخاصه مقهور گردید، نسبت به کسایی بسیار احساس و محبت می‌کرده است.

سال تولد کسایی ۳۴۱ وسال وفات او ۳۹۱ هجری بود، کسایی شاعری قوی الطبع و وسیع الخیال بود و در اشعارش مضامین بکر و مخصوصاً تشبیهات تازه خوب دیده می شد.

ابوطاهر خسروانی

ابوطاهر نامش طیب ونام پدرش محمد بود، از شعرای قرن چهارم هجری واساتید بزرگ مانند فردوسی به اشعارش نظر داشته‌اند و سال وفات ۳۴۲ بود.

غزوایی لوکری

کنیه اش ابوالحسن و نامش علی بن محمد، مداح ابوالقاسم امیر نوح بن منصور (۳۶۶ – ۳۸۷) بوده است و او را از خواص ابوالحسن عبیداله بن احمد عتبی و زیر نوح بن منصور که در سال ۳۷۱ به قتل رسید دانسته‌اند و در مدح وزیر ابوالحسن عبیداله‌بن احمد عتبی اشعاری دارد.

منطقی رازی

منصور بن علی منطقی رازی از شعرای قرن چهارم هجری بود.